

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

---

## **مصوبات**

**کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**

**۲۹ - ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۲۱ - ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶)**

---



# فهرست

- ۱ - اطلاعیه پایانی کنگره اول، ۳
- ۲ - قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)، ۷
- ۳ - قطعنامه در مورد ممانعت از پاشیدن شیرازه جامعه ایران، ۱۴
- ۴ - قطعنامه در باره طبقه کارگر و قدرت سیاسی، ۱۷
- ۵ - سرنگونی جمهوری اسلامی، دفاع از مدنیت جامعه و تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی -  
فراخوان به مردم، فراخوان به احزاب و شخصیت های سیاسی، ۲۲
- ۶ - قطعنامه درباره اوضاع ایران و مصاف های حزب کمونیست کارگری -  
حکمتیست، ۲۷
- ۷ - بیانیه در مورد جنبش رهایی زن در ایران و وظایف حکمتیست، ۳۱
- ۸ - بیانیه در باره اوضاع جهان و موقعیت کمونیسم، ۳۷
- ۹ - قرار در مورد تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم، ۴۴
- ۱۰ - قرار در مورد گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران، ۴۵
- ۱۱ - قرار در مورد تشکیل شورای عالی امنای حزب، ۴۶
- ۱۲ - قرار در باره تضمین همزمان امکان دخالت در تصمیم گیری و اجرای سیاست های مصوب ۴۸
- ۱۳ - قرار در مورد شرکت در جلسات کمیته های حزبی ۴۸
- ۱۴ - قرار در باره ایجاد مدارس حزبی ۴۹
- ۱۵ - قرار در مورد همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق و تعریف مکانیسمهای لازم ۴۹

# اطلاعیه پایانی

## کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اولین کنگره حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در روزهای ۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۲۱ و ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶) در شهر کلن آلمان، با شرکت بیش از دویست و شصت نفر نماینده و مهمان، بطور علنی برگزار شد. نمایندگان و مهمانان این کنگره طی دو روز بر سر مسائلی که مستقیماً به زندگی و مبارزه مردم در ایران و جهان مربوط است به بحث و تبادل نظر پرداختند، تصمیم گرفتند و بر سر چگونگی متحقق کردن آمال و آرزوهای مردم ایران توافق کردند.

کنگره با سرود انترناسیونال، یک دقیقه سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سخنرانی افتتاحیه کورش مدرسی لیدر حزب افتتاح شد و پس از گزارش پروسه انتخابات و بررسی و تایید اعتبارنامه نمایندگان رسماً کار خود را آغاز کرد. کنگره با سخنرانی ریبار احمد دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق ادامه یافت.

تعداد زیادی از نمایندگان کنگره از شهرهای ایران که بخاطر موانع پلیسی جمهوری اسلامی، متأسفانه موفق به شرکت حضوری در کنگره نشده بودند، آرائشان را به تعداد دیگری از نمایندگان و شرکت کنندگان واگذار کرده بودند. گزارش فعالیت‌های حزب از مقطع تاسیس حزب تا کنگره اول مورد بررسی و بحث و تبادل نظر حضار در کنگره قرار گرفت. سپس از میان قطعنامه‌ها و قرارهای متعددی که از پیش توسط

نمایندگان تهیه شده و در شش شماره نشریه ویژه کنگره علنا انتشار یافته بود، نمایندگان حاضر در کنگره به خاطر محدودیت وقت تنها توانستند تعدادی را که عاجل تر تشخیص دادند در دستور قرار دهند. کنگره طی دو روز بحث و تبادل نظر فشرده و رای گیری، این اسناد را به تصویب رساند: "جنبش رهایی زن در ایران و وظایف حکمتیست ها"، "اوضاع جهان و موقعیت کمونیسم"، "اوضاع ایران و مصاف های حزب کمونیست کارگری - حکمتیست"، قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)، "خطر پاشیدن شیرازه جامعه و ممانعت از آن"، "طبقه کارگر و قدرت سیاسی"، "فراخوان به مردم و به احزاب و شخصیت های سیاسی"، "گسترش سریع گارد آزادی در شهرهای ایران"، "همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق"، "ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم" و چند قرار در مورد مکانیسم های داخلی حزب. مجموعه اسناد مصوب کنگره به زودی منتشر خواهد شد.

شرکت در کنگره اول حزب حکمتیست با استقبال وسیعی روبرو شد. از میان احزاب سیاسی، شخصیت های سیاسی، اجتماعی، هنری و فرهنگی که به این کنگره دعوت شده بودند از جمله هیاتی از حزب کمونیست کارگری عراق با مسئولیت ریواری احمد، هیاتی از حزب سوسیال دمکرات ایران با مسئولیت آقای جلال مدنی، رئیس "سازمان آزادی زن در عراق" بنار محمد، آقایان ایرج جنتی عطایی، بیژن نیابتی، فریدون احمدی (از سازمان فدائیان اکثریت)، حسن اعتمادی (از اتحادیه ملی برای دمکراسی در ایران)، رضا رحیمی (از شورای انقلابی سوسیالیستهای ایران - حکمتیست)، نیکو داسو از فعالین چپ و تشکل "همبستگی با عراق" در فرانسه، سه تن از فعالین کمونیست ایتالیا: جوزپه پریزولاره فعال کارگری از تشکل "آلترناتیو طبقاتی"، روبرتو لوتسی سردبیر نشریه مارکسیستی "پاژا مارکسیستا" و اورهان دیلبر در کنگره حضور یافتند و سخنرانی کردند. علاوه دهها نفر در لحظات پایانی ثبت نام، خود را به کنگره رساندند، که برگزار کنندگان کنگره ناچار شدند تعداد زیادی از آنان را به خاطر محدودیت جا نپذیرند.

در جوار جلسات رسمی کنگره کارگاههای گوناگون از جمله درباره سازمان حزب، کمونیسم کارگری در اروپا، مسائل پناهندگان ایرانی و همچنین شب شعری توسط آقای ایرج جنتی عطائی برگزار شد.

اولین کنگره حزب حکمتیست، یک گردهمایی بزرگ و علنی و با شکوه بود که مستقیماً به سرنوشت میلیونها انسان زنده اسیر یک رژیم قرون وسطایی اسلامی در ایران، به آینده جامعه هفتاد میلیونی ایران مربوط بود. نمایندگان و مهمانان این کنگره، این حقیقت را از سیر دو روزه کنگره، از شیوه بررسی و تصویب اسناد و از مباحثات جدی و صمیمانه موافق و مخالف، به روشنی مشاهده کردند. نمایندگان و

مهمانانی که خود عنصر فعال شکل دادن به این حقیقت بودند که کنگره حزب حکمتیست نه نشستی معطوف به خود، که معطوف به آینده و سرنوشت سیاسی مردم ایران بود.

کنگره حزب حکمتیست اتفاق سیاسی مهمی در مقطع مهمی از تحولات سیاسی ایران است. در شرایطی که سردرگمی، بی‌افقی و بی‌عملی گریبان بخش اعظم اپوزیسیون را گرفته است، یک حزب سیاسی روشن بین، اجتماعی و کمونیستی بار دیگر قد راست میکند و به جمهوری اسلامی اعلان جنگ میدهد. حزبی که سلاح خود را که جز ایجاد اتحاد و تشکل میلیونی مردم حول پرچم آزادی و برابری و عدالت و رفاه انسانها نیست، صیقل میدهد و خود را آماده نبرد میکند. کنگره اول حزب حکمتیست همچنین مقطع مهمی در پروسه ساختن یک حزب سیاسی کمونیستی در تمایز و تقابل با سنت سکتی، بسته و ایدئولوژیک گروههای چپی است. حزبی که مکانیسم علنی، سالم و باز آن در کنگره، نمایانگر کاراکتر اجتماعی و آزاد اندیش آن است.

کنگره در بخش انتخابات از میان ۸۸ کاندیدا، یک کمیته مرکزی ۵۲ نفره انتخاب کرد که مرکب است از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، امجد غفور، برهان دیوارگر، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، پروین معاذی، جلال محمود زاده، جمال کمانگر، ثریا خضری، ثریا شهابی، حسین مرادیگی، حسن قادری، خالد حاج محمدی، داریوش نیکنام، رحمان حسین زاده، رحمت فاتحی، رسول بناوند، ریبوار احمد، ساسان سعید، سلام زیجی، سعید آرمان، سعید یگانه، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، علی عبدالی، فاتح شیخ، فواد عبداللهی، کورش مدرسی، لادن داور، کاوه صدری، محمد فاتحی، محمد راستی، محمد جعفری، محمود قزوینی، مصطفی اسد پور، مظفر محمدی، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، مینو همیلی، مهرنوش موسوی، ناهید ریاضی، نسان نودینیان، نسیم رهنما، همایون گدازگر، ینار محمد.

پس از پایان کنگره پلنوم کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. کمیته مرکزی کورش مدرسی را به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی و لیدر حزب و تعداد ۲۱ نفر را بعنوان اعضاء دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، امان کفا، بهرام مدرسی، جمال کمانگر، ثریا خضری، ثریا شهابی، حسین مرادیگی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، سلام زیجی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، کورش مدرسی، محمد فاتحی، محمود قزوینی، مظفر محمدی، نسان نودینیان. جلسه دفتر سیاسی پس از پلنوم کمیته مرکزی، با شرکت تمام اعضاء دفتر سیاسی تشکیل شد. در این نشست فاتح شیخ به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی و ۸ نفر اعضاء

کمیته رهبری مرکب از: امان کفا، بهرام مدرسی، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی،  
رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، کورش مدرسی، نسان نودینیان انتخاب شدند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ آبان ۱۳۸۵ - ۲۶ اکتبر ۲۰۰۶

# قطعه‌نامه در مورد اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)

الف - ویژگی اوضاع سیاسی کنونی ایران ترکیب متناقض گسترده تر شدن نفرت از جمهوری اسلامی، تبدیل سرنگونی به بستر اصلی اعتراض مردم و گسترده‌گی اعتراضات پراکنده و غیر متحد مردم از یک طرف و سردرگمی و حاکم شدن جو انتظار در میان مردم از طرف دیگر است. این وضعیت حاصل عوامل متعددی است:

۱- شکست دوم خرداد، شکست افق "اپوزیسیون درون رژیم" و "اپوزیسیون طرفدار رژیم" بود. با شکست دو خرداد در ابعاد اجتماعی محقق شده که تنها راه معتبر برای خلاصی از وضع موجود سرنگونی جمهوری اسلامی است. خوش خیم کردن جمهوری اسلامی یک خیال باطل است و دو خرداد، همان طور که ما گفته بودیم، چیزی جز یک پلاتفرم سیاسی برای حفظ جمهوری اسلامی نبوده و نیست.

۲- با این شکست، جریان دو خرداد بعنوان یک بازیگر قابل اعتنای سیاسی از صحنه جامعه حذف گردید و بخش اعظم جریان‌ات دو خردادی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی تجزیه شدند. بخش اعظم نیروهای سیاسی این جنبش به سمت اردوی سرنگونی طلب چرخیدند.



- i. بخش بزرگی از نیرو و فعالین سیاسی دو خرداد به سمت اپوزیسیون سرنگونی طلب راست ناسیونالیست طرفدار غرب متمایل گشتند. این جریانات در قالب جمهوری خواهان، اکثریت، و غیره در مدارهای دور و نزدیک حول مرکز اپوزیسیون راست، یعنی رضا پهلوی و جریانات مشروطه طلب، به گردش در آمدند.
- ii. بخش کوچکتر اما میلیتانت تر، آرمان خواه تر و جوان تر این جنبش به سمت اپوزیسیون سرنگونی طلب چپ و کمونیست متمایل شد و در مدار دور یا نزدیک به دور سیاست های حزب حکمتیست به گردش در آمد.
- iii. باقی مانده دو خرداد که تعلق سیاسی و ایدئولوژیک عمیقتری با جمهوری اسلامی داشت در هراس از سرنگونی کل حکومت اسلامی در مقابل مردم، سردرگم و بی راه چاره در دامان جمهوری اسلامی به فعالیت آکادمیک و فرهنگی اسلامی بازگشت.

۳- ناتوانی دو خرداد در پاسخ گوئی به ابتدائی ترین نیازهای اقتصادی جامعه و تعمیق فلاکت در میان بخش های وسیع مردم میدان را برای پوپولیست ترین و ارتجاعی ترین بخش رژیم باز کرد تا با یک پلاتفرم اقتصادی برای مقابله با فقر و فلاکت به میدان بیاید و محمل عروج جریان احمدی نژاد گردد. جمهوری اسلامی در مقابل مردم و در مقابل بن بست کامل سیاسی و اقتصادی خود فشرده ترین نیروی ارتجاعی و هسته ایدئولوژیک خود را به میدان آورد و به آخرین سنگر ممکن رفت که با شکست جمهوری اسلامی در این سنگر یافتن جانشین "درون رژیمی" برای آن بسیار بعید است.

۴- تا قبل از شکست نهائی دو خرداد چهره کشمکش اصلی سیاسی در سطح جامعه را رقابت میان جنبش سرنگونی، بطور کلی، و دو خرداد (اپوزیسیون طرفدار رژیم) برای تبدیل شدن به پرچم اعتراض و نارضایتی مردم مشخص میکرد. با شکست دو خرداد این رقابت از میان رفت و موضوع انتخاب سیاسی در جامعه به درون صف سرنگونی انتقال یافت و صورت مسئله به "کدام سرنگونی؟" و "سرنگونی چگونه؟" تغییر پیدا کرد. به این ترتیب با تبدیل سرنگونی به بستر اصلی اعتراض در جامعه و بی ربط شدن دو خرداد به کشمکش اصلی سیاسی در جامعه، پرچم "ضد دو

خردادی"، و ضد رژیم و سرنگونی طلبی علی العموم نیز فاقد جنبه هویتی متمایز کننده گردید. رقابت در سطح سیاسی به رقابت میان نیروهای سرنگونی طلب یعنی رقابت میان پرچم راست و پرچم چپ در این میدان منتقل گردید. پیروزی جنبش سرنگونی بیش از هر چیز به اتحاد مردم به گرد یکی از دو پرچم موجود در این جنبش موکول گردید. از این پس مردم در مقابل یک انتخاب میان چپ و راست قرار گرفتند. بدون تحقق چنین انتخابی در ابعاد اجتماعی جنبش سرنگونی فاقد قطب نما، فاقد رهبری و فاقد امکان پیروز شدن است.

۵- اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب در شرایط کنونی به دلایل زیر فاقد امکان تامین پیروزی جنبش سرنگونی است:

i - انقلاب ۵۷ ایران، همراه با طبقه کارگر و کمونیست ها، بورژوازی ایران را نیز بالغ کرد. بورژوازی ایران در پرتو تجربه انقلاب ۵۷ خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی بدون افتادن قدرت به دست مردم و طبقه کارگر است. اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب یک نیروی سرنگونی طلب است اما در ترس از مردم به صحنه آمده و قدرت یافته تلاش میکند تا با بخش هائی از خود دستگاه جمهوری اسلامی کنار بیاید و قدرت را از بالا و بدون به میدان آمدن مردم و بویژه طبقه کارگر بدست بگیرد. طرح رفرا ند م برای سرنگونی جمهوری اسلامی و طرح های دیگر در مورد انواع انقلابات "مخملین" و "زرد" و "نارنجی" و غیره همگی راه حل هائی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بدون دخالت مستقیم مردم در قدرت سیاسی است. این روش ها در مقابل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی که در جامعه ریشه دار هستند، ناتوان است. این سیاست ها، حتی به عنوان سیاست های راست، فاقد قابلیت سرنگون کردن جمهوری اسلامی هستند.

ii - یکی از ارکان جذابیت و قدرت ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی حمایت دولت های غربی، و بویژه آمریکا، از آنان و تداعی کردن خود با فرهنگ و تمدن، و ارزش های پیشرفته غربی و مدرنیسمی است که جامعه ایران تشنه آن است، میباشد. بعلاوه این اپوزیسیون از نظر سیاسی نیز دولت های غربی و بویژه دولت آمریکا را به عنوان یک اهرم قدرت وارد معادله سیاسی ایران نموده است. دامن زدن به توهم به نجات از طریق آمریکا، توهم پراکنی پیرامون تاثیرات فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا

به جمهوری اسلامی و تلاش برای استفاده از آمریکا به عنوان کاتالیزور سازش با بخش هائی از دستگاه دولت جمهوری اسلامی از جمله اهرم های اصلی استراتژی سیاسی اپوزیسیون راست است.

iii - اما با پدیدار شدن نتایج مصیبت بار سیاست "ضربه پیشگیرانه" آمریکا برای مردم عراق از یک طرف و تضعیف آمریکا در مقابل اسلام سیاسی که منجر به از دست دادن بخش اعظم عضله آمریکا برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی شد، به جذابیت چشم دوختن به آمریکا و افق تغییر رژیم با کمک آمریکا لطمه جدی وارد آمد و همراه آن امید به راه حل اپوزیسیون راست در میان مردم مورد تردید قرار گرفت.

iv - کشمکش میان آمریکا و جمهوری اسلامی بر متن استراتژی "ضربه پیشگیرانه"، ناسیونالیسم راست پرو غرب را با عمیق ترین بحران سیاسی و ایدئولوژیک تاریخ خود روبرو کرده است. بحرانی که بدون تردید با تشدید این کشمکش منجر به تحولات بسیار جدی و صف بندی تماما جدیدی در این اپوزیسیون خواهد شد.

۱ - سیاست آمریکا برای ممانعت از دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای مستقیماً از فلسفه پشت استراتژی "ضربه پیشگیرانه"، که ناظر بر تضمین امکان قدری مطلق آمریکا بر جهان است، ناشی میشود. تهدیدات نظامی آمریکا و اسرائیل برای توسل به نیروی نظامی، که بدون تردید بنیاد های اقتصادی ایران را به نابودی میکشاند، با هسته ایدئولوژیک و فلسفه وجودی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در تناقض قرار میگیرد. ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی آرمان خود را ایران صنعتی و مدرن به شیوه غربی تعریف میکند. این آرمان با نابودی پایه های اقتصادی جامعه زیر بمباران آمریکا و خطر بازگشت ایران به "عصر حجر" و همچنین با هدف کلی ممانعت از دست یابی ایران به تکنولوژی هسته ای در تناقض قرار میگیرد.

۲ - موقعیت تضعیف شده آمریکا در مقابل اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در عراق و ناتوانی اپوزیسیون راست در سازماندهی هر تحرک جدی سیاسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، دولت آمریکا را به نیروهای سناریو سیاه

در ایران یعنی مجاهدین خلق، قوم پرستان و نیروهای فدرالیسم قومی نزدیک کرده است. اما فدرالیسم قومی که امروز پرچم قوم پرستان ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره است، نسخه پاشاندن بنیاد های زندگی مدنی در ایران و عراقیزه کردن اوضاع ایران در ابعادی به مراتب وسیع تر است. هم جهتی دولت آمریکا با قوم پرستان و نیروهای دیگر سناریو سیاهی و حمایت فعال سیاسی، مالی و نظامی و تدارکاتی آمریکا از آنها اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب ایران، که "تمامیت ارضی" ایران بخش اساسی از هویت آن است، را دچار یک بحران عمیق ایدئولوژیک و هویتی میکند.

۳ - ترکیب سیاست آمریکا در بحران غنی سازی اورانیوم با تقویت جریانات قوم پرست و باند سیاهی در سیاست ایران از طرف این دولت، جمهوری اسلامی و بخصوص جریان احمدی نژاد، را در موقعیتی قرار داده است که پرچم آرمانهای ایران یک پارچه و ایران صنعتی و پیشرفته را از دست ناسیونالیسم پرو غرب خارج کند و خود بدست بگیرد.

۴ - این وضعیت ناسیونالیسم راست پرو غرب را از نظر ایدئولوژیک و آرمانی در بن بست قرار داده است. این اپوزیسیون را در مسیر مخالف آمریکا قرار گرفته است که از نظر ایدئولوژیک برای اپوزیسیون پرو غرب یک خودکشی جنبشی و سیاسی محسوب میشود. بخش های مهمی از این جریان، نظیر حزب مشروطه، با وساطت اکثریت به "اندیشیدن به نیاندیشیدنی ها" یعنی به ائتلاف با جمهوری اسلامی متمایل شده است. تحقق این امر صفوف اپوزیسیون راست ایران را برای همیشه تغییر خواهد داد.

۶- سیاست آمریکا ناسیونالیسم راست پرو غرب را گنج و فلج کرده است و همراه با آن جنبش سرنگونی که بخش اعظم افق و امید خود را از این اپوزیسیون میگرفت را گنج و بی قطب نما کرده است.

۷- شکست دو خرداد با توجه به مقابله دائمی چپ، بویژه حزب کمونیست کارگری در دوره منصور حکمت، با دو خرداد، مبیایست منجر به دست بالا پیدا کردن پرچم و افق چپ در جامعه میشد. اما چنین نشد:

i - حزب کمونیست کارگری ایران نتوانست اوضاع جدید بعد از شکست دو خرداد را درک کند. از دست دادن منصور حکمت، که تقریباً همزمان با قطعی شدن شکست دو خرداد بود، تناسب قوای درونی حزب کمونیست کارگری را به ضرر خط حکمت و به نفع چپ سنتی ضد رژیم، که از نظر افق جنبشی جناح میلیتانت اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب است، را تغییر داد. حزب کمونیست کارگری، که تا این زمان شناخته ترین و بارز ترین نیروی چپ در جامعه است در این دوره حساس در دنیای بی ربط شده "ضد دو خرداد" باقی میماند، فاقد توانائی متمایز کردن خود از اپوزیسیون راست در جنبش سرنگونی میشود و زیر فشار کشمکش های دونی بخود مشغول میشود.

ii حزب کمونیست کارگری از بعد از کنگره چهارم خود در سال ۲۰۰۲، قطب نمای سیاسی خود را تماما از دست میدهد. این حزب چون کشتی سرگردان در توفان بدون قطب نما و بدون جهت معلوم تلاش میکند تا فرصت طلبانه بر هر موج سیاسی سوار شود و هر روز به سمتی میرود و در دنیای سیاسی به دنباله رو اپوزیسیون راست و جریانات قومی تبدیل میشود. از همراه شدن با هخا و تحركات الحواز تا شرکت در "جنبش گنجی"، از پایکوبی برای تحرک ناسیونالیسم ترک در ماجرای کاریکاتور تا همراهی با فراخوان های حزب دمکرات کردستان و پژاک، از پذیرش صورت مسئله آمریکا در بحران غنی سازی اورانیوم تا دوختن چشم امید به نتایج حمله آمریکا به عراق، و بالاخره با چرخش به مواضع راست ترین جریانات سیاسی در حمایت از حمله اسرائیل به لبنان، قادر به دادن تعریف متمایزی از خود و از پیروزی جنبش سرنگونی زاویه طبقه کارگر نیست و نمیتواند خود را در سیاست روز از اپوزیسیون راست متمایز کند.

iii به این ترتیب در کنار ناتوانی اپوزیسیون راست، چپ جامعه نیز همراه با سقوط حزب کمونیست کارگری پرچم خود در رهبری جنبش سرنگونی را از دست میدهد.

۸- جدائی حزب حکمتیست از حزب کمونیست کارگری، علاوه بر جنبه های متفاوت، تئوریک، تاریخی، و جنبشی، از نظر سیاسی تلاش برای پاسخ گوئی به موقعیت جدید سیاسی جامعه ایران بعد از دو خرداد است. تشکیل این حزب علاوه بر همه جنبه ها تلاشی است برای بدست دادن

تعریف پیروزی طبقه کارگر از جنبش سرنگونی و تبدیل این تعریف به پرچم اعتراض جامعه در مقابل جمهوری اسلامی است. نیروی این حزب در فاصله دو سالی که از تاسیس آن میگذرد معطوف به بستن سدی در مقابل هژمونی راست و قوم پرستان بر فضای سیاسی ایران و باز سازی اعتماد به چپ در یک تناسب قوای سیاسی و تشکیلاتی بسیار نامناسب تر از سابق بوده است.

ب- سرنوشت جامعه ایران امروز در پرتو تناسب قوای میان دو جنبش اصلی در سرنگونی جمهوری اسلامی یعنی ناسیونالیسم راست طرفدار غرب و جنبش کمونیستی طبقه کارگر رقم میخورد. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی این طبقه تنها با تبدیل شدن به رهبر و سازمانده جنبش سرنگونی و تبدیل پیروزی جنبش سرنگونی از زاویه منفعت طبقه کارگر به پرچم اعتراض مردم به جمهوری اسلامی میتواند جنبش سرنگونی را از سرگیجه کنونی خارج کند، به عمر جمهوری اسلامی خاتمه دهد و بخصوص جنبش سرنگونی را به نقطه شروع یک انقلاب بی واسطه به انقلاب سوسیالیستی و تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری جمهوری سوسیالیستی تبدیل نماید. این مهمترین مصاف سیاسی کمونیسم در تاریخ معاصر است که سرنوشت جامعه ایران را نیز تعیین خواهد کرد. همین مصاف است که دریچه ای از امکان قدرت گیری کمونیسم را در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم در ایران مجددا باز کرده است.

## قطعه‌نامه در مورد ممانعت از پاشیدن شیرازه جامعه ایران

با توجه به اینکه :

۱ - سیاست ارتجاعی "ضربه پیشگیرانه" دولت آمریکا دنیا را با چشم انداز مهبیبی روبرو کرده است. این سیاست انعکاس تلاش این دولت برای در نطفه خفه کردن امکان شکل گیری هر نیروئی در جهان که بالقوه بتواند در آینده حاکمیت بلامنازع آمریکا بر جهان و منابع ثروت آن را مورد سوال قرار دهد است. دولت آمریکا رسماً دنیا را بر اساس منافع خود به دو اردوی خیر و شر تقسیم کرده است و بر این اساس در کار اعمال یک آپارتاید تکنولوژیک و اقتصادی بر جهان است؛

۲ - دولت آمریکا نشان داده است که در راه اعمال این سیاست بر نابودی پایه های اقتصادی یک جامعه و عقب راندن آن به عهد حجر با اتکا به مخرب ترین و مهلک ترین ماشین جنگی تاریخ بشر، یعنی ارتش آمریکا، و گسیختن شیرازه های جامعه انسانی و عراقیزه کردن آن با توسل به نیروهای قوم پرست و ماجراجویان و گانگسترهایی سیاسی اتکا میکند؛

۳ - بر این متن کشمکش میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی حول مسئله غنی سازی اورانیوم ابعاد جدیدی یافته است و دولت آمریکا با شکست خود در مقابل جمهوری اسلامی در عراق و ناتوانی موتلفین سنتی خود، یعنی

اپوزیسیون راست طرفدار غرب، در ارائه هر بدیل معتبری برای فشار جمهوری اسلامی، به دارو دسته های قوم پرست و ماجراجویان سیاسی از یک طرف و تدارک یک حمله نظامی نابود کننده به بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران از طرف دیگر روی آورده است؛

۴ - جمهوری اسلامی به نوبه خود برای دفاع از موجودیت خود در مقابل خطر دچار شدن به سرنوشت رژیم عراق و برای کم کردن فشار اعتراضی مردم به خود به مقابله با آمریکا روی آورده است؛

۵ - جمهوری اسلامی تکاش میکند تا با توسل به تحریک احساسات ناسیونالیستی در جامعه و با جنگی کردن فضای کشور مردم را عقب بزند، بخش های مهمی از اپوزیسیون راست پرو غرب را به حمایت از خود بکشاند، صفوف خود را منسجم تر کند و مبارزه برای سرنگونی خود را حاشیه ای کند؛

۶ - جریانات اسلامی در جامعه ریشه دارند و به سرعت ذوب نمیشوند و میتوانند بعد از سرنگونی و یا بعد از دخالت نظامی آمریکا خود را تجدید سازمان نمایند و به جان جامعه بیفتند؛

۷ - حمایت فعال دولت آمریکا از جریانات فدرالیست قومی و قابلیت فاشیستی جریانات قوم پرست، جامعه ایران در مقابل خطر تحقق سناریو سیاه به شدت آسیب پذیر تر گردیده است و خطر پاشیدن شیرازه های جامعه چون شمشیر دامکلس بر سر مردم ایران نگاه داشته شده است؛

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند که که امروز بیش از همیشه سر راست و مطمئن ترین راه برای مقابله با تحقق چنین سناریویی سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق قیام مردم و تحقق بند های منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. در همان حال کنگره حزب توجه همگان را به واقعیت های زیر جلب میکند:

۱ - هرگونه ماجراجوئی نظامی آمریکا و اسرائیل در ایران و هرگونه محاصره و تحریم اقتصادی ایران مستقیماً به زیان مردم ایران است و به عمر جمهوری اسلامی می افزاید. باید اکیداً مورد مخالفت مردم و نیروهای سیاسی قرار گیرد،



- ۲ - دامن زدن به هویت قومی، تقویت جریانات قوم پرست و بدست گرفتن پرچم فدرالیسم قومی مستقیماً در خدمت به نابودی کشاندن جامعه ایران و تحقق سناریو سیاه است، اکیدا باید توسط مردم محکوم شود و نیروهای قوم پرست باید افشا و ایزوله گردند.
- ۳ - در هر حال تنها ضامن دفاع از مدنیت جامعه حضور نیروی سازمان یافته و قدرتمند مردم حول دفاع از آزادی و امنیت و مقابله با قوم پرستی و نیروهای سناریو سیاه است. سازمان دادن و به میدان آوردن این نیرو فوری و حیاتی است. همانگونه که تجربه عراق نشان میدهد، موکول کردن این سازمان یابی و این قدرت گیری مردم به بعد از تحقق حمله آمریکا به ایران و یا فروپاشی نهادهای زندگی مدنی تحت فشار قوم پرستان بشدت خطرناک و مهلک است. این کار باید بسیار قبل از تحقق چنین سناریوئی صورت گیرد و اصولاً وجود چنین صفی از مردم سازمان یافته و قدرتمند خود باعث تضعیف احتمال تحقق این سناریو میشود.
- ۴ - قدرتمند شدن و سازمان یافتن مردم از طریق اتحاد حول یک پرچم و سازمان یابی حول یک محور ممکن است. حزب کمونیست کارگری حکمتیست مردم را به اتحاد حول پرچم این حزب، که پرچم آزادی و برابری انسان است فرا میخواند.
- ۵ - کنگره اول حزب مردم را فرا میخواند تا با سازمان یافتن محلی و گسترش کنترل خود بر هر فعل و انفعال محلی و با تدارک ایجاد واحد های گارد آزادی برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای سناریو سیاه، با قدرت آزادی و امنیت خود را تضمین نمایند.
- ۶ - کنگره اول حزب توجه همه کمیته های کمونیستی حزب، تشکل های گوناگون محلی و واحد های گارد آزادی را به این واقعیت جلب میکند که حضور حزب یا فعالیت گارد آزادی در هر جا باید با محدود شدن دامنه عمل نیروهای اسلامی و قوم پرست و با گسترش آزادی سیاسی و فرهنگی و ریشه گرفتن دفاع از ارزش ها و استانداردها انسانی با اتکا به قدرت مردم تداعی شود.

# قطعه‌نامه در باره طبقه کارگر و قدرت سیاسی

بحران عمیق سیاسی و اقتصادی فعلی، اعتراض وسیع اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی، فروپاشی و اضمحلال آن، مساله آینده جامعه ایران را در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. این فرصت تاریخی است تا طبقه کارگر بتواند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای مدرنیسم، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار بگیرد، اعتماد افشار معترض و آزادیخواه جامعه را به خود جلب کند، و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی و رهائی بخش انسان بشود.

فراخوان اصلی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کارگران، به اعضا و فعالین خود و به همه کمونیست ها و رهبران کارگران، تلاش برای رفع هرچه سریعتر موانع خروج طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مدعی قدرت و رهبر کل جامعه در مبارزه برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و برپا کردن یک زندگی انسانی، آزاد و برابر، و برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی در ایران است.

از آنجا که:

- فلاکت بی سابقه، بیکاری و بیکارسازی های بسیار گسترده، تفرقه بین کارگر شاغل و بیکار، بومی و مهاجر را دامن زده و حفظ و تامین شغل را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده و آنها را در طرح مطالبات سراسری ناظر بر بهبود اوضاع اقتصادی و یا دخالت و حضور مستقیم و موثر در اوضاع سیاسی محتاط کرده است؛

- اعتراضات کارگری با وجود آنکه یک وجه جنبش اعتراضی عمومی علیه جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، اما عمدتاً محدود به بخش‌هایی هستند که در معرض بیکارسازی و عدم پرداخت دستمزد ها قرار دارند و مور حمایت فعال کارگران شاغل قرار نگرفته‌اند، و حتی در همین بخش نیز اعتراضات کارگری خصلتی پراکنده دارند و به مبنایی برای بهبود جدی معیشت این بخش و به طریق اولی زمینه عروج متحد و سیاسی کارگران تبدیل نشده‌اند؛

- با وجود برپائی مجامع عمومی در بسیاری حرکات و استفاده از آن بعنوان ظرف بسیج کارگران، هنوز این مجامع به صورت شکل تثبیت شده خودسازمانیابی توده ای کارگری تثبیت نشده‌اند و کارگران فاقد تشکل‌های واقعی و ارگانهای اعمال اراده مستقیم خود هستند؛

- جمهوری اسلامی ضمن خودداری از درگیری رو در رو با اعتراضات کارگران و اتخاذ تاکتیک خسته و فرسوده کردن آنها، در عین حال از یکسو با تمام توان دستگاه امنیتی و جاسوسی خود فعالین و رهبران رادیکال و کمونیست کارگری را دستگیر و زندان و اخراج میکنند، و از سوی دیگر از طریق شبکه دولتی شوراهای انجمن‌های اسلامی، خانه کارگر میکوشد تا شعارها و مطالبات و حرکات اعتراضی کارگری را که قابلیت بسیج سراسری طبقه کارگر را دارند، مسخ و مخدوش کند و در چهارچوب قانونی و امید بستن به دولت اسلامی مهار زند؛

- و مهمتر، از آنجا که تحت تاثیر عوامل فوق و عدم انسجام سیاسی و سازمانی رهبران عملی و فعالین کارگری حول یک پرچم کمونیستی کارگری، تمایل سیاسی مسلط بر طبقه کارگر در شرایط کنونی، از یکسو نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی و روز شماری برای سرنگونی آن و از سوی دیگر حالت انتظار، عدم دخالت فعال در دعواهای سیاسی، عدم شرکت متحد و فعال در جنبش‌های اعتراضی سیاسی روزمره جامعه، است؛

از اینرو:

۱- کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست توجه کارگران را بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و لزوم حضور متحد و متشکل طبقه کارگر در صحنه سیاست، طرح مطالبات سراسری برای تغییر وضع معیشتی خود در قبال هر مسئله اجتماعی و بدست گرفتن عملی رهبری جنبش برای رهایی از فلاکت، حکومت مذهبی، اختناق، تبعیض جنسی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی جلب می‌کند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست معتقد است که یک فرصت تاریخی کمیاب برای طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت و تحقق شعار آزادی، برابری،

حکومت کارگری در ایران فراهم آمده است. کارگران باید سریعاً نقش خود را در راس جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی باز یابند.

۲- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه کارگران مبارز ایران را به اتحاد در صفوف حزب فرا میخواند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرچمدار وحدت طبقاتی و ضامن حضور مستقل طبقه کارگر ایران در تحولات سیاسی تاریخ ساز جاری است.

۳- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بار دیگر بر اهمیت براه اندازی یک جنبش وسیع مجامع عمومی در کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در غیاب هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تأمین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش توده ای و مطالباتی و اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کار ترین و موثر ترین شیوه سازماندهی حرکات توده ای در شرایط اختناق است.

۴- حزب همه فعالین کمونیست در طبقه کارگر را به پیگیری اولویت های زیر فرا میخواند:

### **\* مبارزه علیه فلاکت، اتحاد کارگری علیه بیکاری**

بیکاری رکن اساسی تحمیل فلاکت بر طبقه کارگر است. بیکاری تنها مسئله کارگران بیکار نیست، خطری است که هر کارگر شاغل را نیز تهدید میکند و شمشیری آویخته ای بر سر مقدرات هر خانواده کارگری است. سازمان دادن اتحاد کارگری علیه بیکاری شرط اساسی مهار کردن این اهرم قدرت سرمایه داران بر مقدرات کل طبقه کارگر است که حول خواست سرراست بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بالاتر از ۱۶ سال میتواند سازمان یابد. طرح شعارهایی نظیر افزایش واقعی و سراسری دستمزد ها و بیمه بیکاری مکفی بویژه از سوی بخش های شاغل و موثر طبقه کارگر، متحد کردن صفوف کارگران شاغل و بیکار، بومی و مهاجر در مبارزه سراسری برای بهبود اوضاع معیشتی، حمایت فعال از اعتراضات کارگران در معرض بیکارسازی و برای گرفتن دستمزدهای معوقه، همچنین دفاع بی قید و شرط از حقوق کامل شهروندی برای همه مهاجرین از اجزا مهم این فراخوان است.

### **\* برپائی جنبش مجامع عمومی**

منظم کردن تشکیل مجمع عمومی، روتین کردن تصمیم گیری کارگران در مجمع عمومی، انتخاب نماینده و گزارش دهی نمایندگان در مجمع بعنوان ارگانهای اعمال مستقیم اراده کارگران یک امر حیاتی است. همچنین و همزمان، لازم است تا فعالین جنبش مجامع عمومی، بویژه و نمایندگان منتخب مجمع عمومی هر کارخانه با فعالین و نمایندگان مجامع عمومی کارخانه های منطقه خود یا هم رشته خود تماس حاصل کنند و زمینه های اتحاد های وسیع منطقه ای و رشته ای کارگران را جهت سازمان دادن حرکات وسیع منطقه ای و رشته ای را فراهم آورند.

### **\* مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی**

کوتاه کردن دست این ارگانهای رژیم از دخالت در اعتراضات کارگری، مقابله با هرگونه ادعای شوراهای اسلامی و خانه کارگر در نمایندگی کارگران، چه در سطح جامعه و چه در سطح بین المللی، تحریم "انتخابات" و مقابله با تشکیل این ارگان ها، طرح فعال شعار انحلال شوراهای و انجمن های اسلامی بعنوان نهاد های دست ساز و جاسوس جمهوری اسلامی و تلاش عملی برای بیرون راندن آنها از محیط کار.

### **\* دخالت مستقیم در جدالهای سیاسی**

در جامعه سرمایه داری مبارزه طبقه کارگر برای تحقق مطالبات اقتصادی فی نفسه کشمکش سیاسی است. اما در اوضاع کنونی ایران خصلت سیاسی مبارزه کارگری به مراتب عیان تر و برجسته تر است. هر اعتراض کارگری، ولو حول مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگری، فوراً به مساله ثبات و بقا، و عدم بقا، رژیم اسلامی گره میخورد. اما به این نباید بسنده کرد. در اوضاع کنونی لازم است کارگران ایران آگاهانه وارد جدال سیاسی جاری در جامعه شوند. شعارها و مطالبات سیاسی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اعتصاب و تشکل، آزادی بیان و مطبوعات، برابری زن و مرد، لغو حجاب، جدایی مذهب از دولت باید بر پرچم اعتراضات کارگری نقش بندد. جدالهای سیاسی در جامعه، جنبش های اعتراضی زنان و دانشجویان و یا شورش های شهری، همه عرصه هایی برای دخالت فعال و متحد کارگران است و امکانی برای طبقه کارگر برای تبدیل شدن به رهبر ستم کشان و آزادیخواهان جامعه، را فراهم میکند.

## **\* دخالت مستقیم در ممانعت از پاشیدن زندگی اجتماعی و عراقیزه شدن جامعه ایران**

پاشیدن شیرازه زندگی اجتماعی و عراقیزه شدن ایران در نتیجه رقابت بخش‌های مختلف بورژوازی به یک سیر ممکن و یک امکان دهشتناک تبدیل شده است. بخش‌های مختلف بورژوازی از آمریکا و دارو و دسته‌های اسلامی درون و بیرون جمهوری اسلامی و قوم پرستان و ناسیونالیست‌های فارس، کرد، ترک، بلوچ و عرب نه تنها ابائی از تبدیل جامعه ایران به نمونه ویران تری از جامعه عراق ندارند بلکه چه بسا این سیر اضمحلال زندگی اجتماعی را برای خود مفید و پر منفعت می‌یابند. یک رکن مهم این سیر دامن زدن به هویت قومی و مذهبی در میان کارگران و مردم زحمتکش است. نیروی اصلی اجتماعی که میتواند در مقابل این فاجعه سد به بندد طبقه کارگر است. حزب حکمتیست رهبران کارگری و فعالین کمونیست را فرا میخواند تا افشای جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست و ممانعت از دامن گرفتن هویت قومی و مذهبی در میان طبقه کارگر، افشای هرگونه توهم به آمریکا و نیروهای اپوزیسیون راست پرو غرب و بالاخره امر گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تضمین سرنگونی هرچه سریعتر از آن را جزو وظایف حیاتی این دور خود بدانند. رهبران کارگری و فعالین کمونیست باید طبقه کارگر را آماده کنند تا امکان اعمال قدرت مستقیم و متشکل طبقه کارگر برای کنترل محل زندگی و کار و برای سرکوب قدرتمند عوامل سناریو سیاه را فراهم کنند. یک شرط ممانعت از تحقق چنین سناریویی وجود چنین قدرت سازمان یافته‌ای در جامعه است.

## **\* گسترش تشکیلات حزبی در محیط کار و زندگی**

لازمه پیشبرد و هدایت منسجم تمام فعالیت‌های فوق وجود سازمان منضبط و سراسری بهترین و فعالترین رهبران عملی کارگری و کمونیست‌ها است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تمامی کارگران آگاه و مبارز را به عضویت در صفوف خود و به تشکیل واحد‌های حزبی و عضوگیری وسیع در محیط کار و زندگی و به برقراری و حفظ رابطه سیاسی و تشکیلاتی با رهبری حزب فرا میخواند. این حزبی است که مصمم است تا در پیشاپیش صفوف طبقه کارگر "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به پرچم مبارزه توده‌های میلیونی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بنای جامعه نوین تبدیل کند.

# سرنگونی جمهوری اسلامی، دفاع از مدنیت جامعه و

## تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی

### فراخوان به مردم

### فراخوان به احزاب و شخصیت های سیاسی

ما پنهان نمی کنیم که خواستار یک انقلاب سوسیالیستی و سازمان دهی فوری جامعه سوسیالیستی هستیم. ما پنهان نمی کنیم که سیاست ما تلاش برای ادامه بدون انقطاع سرنگونی جمهوری اسلامی به انقلاب سوسیالیستی است و برای ما سرنگونی جمهوری اسلامی تنها پیش درآمد بلاواسطه انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. تا هنگامی که حاکمیت سرمایه بر زندگی مردم و جامعه خاتمه نیافته است، تا وقتی که لغو استثمار و کار مزدی اعلام نشده است و تا وقتی که بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان پرچم پیروزی ارزش های انسانی به اهتزاز در نیامده و به قانون تخطی ناپذیر جامعه تبدیل نشده است، هدف ما از شرکت در هر جنبش انقلابی، پیروزی آن را از زاویه منفعت جنبش کمونیستی کارگری و بشریت آزادبخواه و برابری طلب است.

برای ما روشن است که، در تمایز از انقلاب ۵۷ ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی تازه نقطه شروع انقلاب واقعی است. جامعه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دستخوش عمیق ترین کشمکش های تاریخ سیاسی ایران برای تعیین نظام حکومتی

آینده ایران میشود. تمام تلاش ما معطوف به آن است که این دوره با ضمانت وسیعترین آزادی‌ها، با تضمین دخالت مستقیم مردم در سیاست، امن‌ترین، آزادترین، کم‌خشونت‌ترین و کم‌دردترین راه برای تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران متحقق شود. حزب ما در این راه در تلاش است تا یک حزب سیاسی قوی، توده‌ای و مقتدر ایجاد کند و بتواند با اتکا به نیروی مردم آزادی و امنیت در جامعه را تضمین کند. تضمین کند که انقلابی که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند، طبقه کارگر و مردم را در بهترین شرایط برای تعیین نظام آتی حکومت قرار میدهد.

در همان حال اعلام میکنیم که ما حق مردم در تعیین آزاد و آگاه نظام آتی ایران را به رسمیت میشناسیم و سرنگونی جمهوری اسلامی، حفظ مدنیت جامعه و تضمین امنیت و آزادی‌های کامل سیاسی و دادن امکان دخالت مردم در سیاست را بهترین راه تحقق آرمان خود میدانیم.

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر این امر واقف است که امروز سرنگونی جمهوری اسلامی در شرایط پیچیده‌ای صور میگیرد که به سادگی میتواند حق مردم در تعیین آگاهانه و آزادانه نظام آتی حکومتی را ضایع نماید. جان سختی اسلام سیاسی و ریشه آن در جامعه، کشمکش میان قطب‌های تروریسم بین‌المللی، یعنی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی آمریکا، ماجراجوئی داورداسته‌های قوم پرست و بالاخره سازشکاری با جمهوری اسلامی نه تنها به عمر این نظام می‌افزاید بلکه جامعه ایران را با خطر پاشیدن بنیادهای زندگی اجتماعی روبرو کرده است.

کنگره بر این حقیقت مصرر است که هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و سیستم ارزشی آن این خطر را تشدید میکند. از نظر ما تنها یک قیام توده‌ای علیه کل سیستم، ارزشها و نظام جمهوری اسلامی میتواند این نیروی سیاه را از دل جامعه و از دل منطقه ریشه کن کند. هجوم مردم به بنیادهای ارزشی و دولتی جمهوری اسلامی و در هم کوفتن همه این دستگاه جهل و جنایت‌طی ضد مذهبی‌ترین انقلاب تاریخ بعد از انقلاب فرانسه، میتواند اسلام سیاسی را در ابعاد ایدئولوژیک، سیاسی و آرمانی به آنچنان هزیمت و فلج همه جانبه‌ای دچار کند که امکان تجدید قوا، جلب نیرو و بکارگیری امکانات مالی و تسلیحاتی را از آن سلب نماید. اسلام سیاسی نیمه سرنگون شده و هنوز در صحنه، از اسلام سیاسی در قدرت خطرناک‌تر است. اسلام سیاسی در "اپوزیسیون" در ایران، جز تروریسم عریان مسلح به سلاحهای کشتار جمعی نیست. این تروریسم اسلامی، تروریست‌های قومی، عشیره‌ای و کانگسترها و ماجراجویان سیاسی را به میدان میکشد. نه تنها برای جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی عمر میخرد بلکه به مراتب بدتر از عراق شیرازه زندگی اجتماعی را در ابعادی بی سابقه در تاریخ بشر از هم میپاشد و میلیونها نفر از مردم



ایران و نسل های متعددی را قربانی خواهد کرد و جامعه ایران را برای مدتی طولانی به عمق یک سیاه چال اجتماعی فرو خواهد کشید.

از نظر ما تضمین حق انتخاب آگاه و آزاد نظام آتی نظام حکومتی ایران نیازمند متحقق شدن منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. این منشور میتواند مبنای پرچم وسیع توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جامعه ایران باشد.

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادبخواه و تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاهای دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند و برای تضمین اجرای آن به حزب ما بپیوندند.

ما همه احزاب و شخصیت های سیاسی را فرا میخوانیم که تعهد خود به تأمین و تضمین شرایط امن و متمدن در جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن و همچنین التزام خود به دادن حق تعیین آزاد و آگاه نظام آینده حکومتی ایران به مردم را اعلام کنند. ما از همه احزاب و شخصیت های سیاسی دعوت میکنیم تا به امضا کنندگان منشور سرنگونی جمهوری اسلامی بپیوندند.

کنگره اول تضمین میکند که با به قدرت رسیدن حزب نه تنها منشور پیروزی جنبش سرنگونی را بعنوان قانون سراسری اعلام و اجرا خواهد کرد، بلکه بیانییه حقوق جهانشمول انسان را بعنوان مبنای کلیه قوانین و مقررات کشور اعلام کرده و خود را ملزم به اجرای کلیه مطالبات برنامه خود، "یک دنیای بهتر"، میداند و به مردم ایران امکان انتخاب آزاد و آگاه نظام آینده حکومتی ایران را خواهد داد

## منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱ - اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی

۲ - انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها .

۳ - انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴ - قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵ - مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه"

۷ - دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸ - مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیروئی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹ - اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۱۲- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳- اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۱۵ - لغو مجازات اعدام.

۱۶ - دسترسی همگانی بویژه تشکل های توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷ - تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۱۸ - ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۱۹ - برگزاری فرآیند در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این فرآیند باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسى، انجام شود.

## قطعه‌نامه درباره

# اوضاع ایران و مصاف های حزب کمونیست کارگری – حکمتیست

۱ – ناتوانی ذاتی جمهوری اسلامی در پاسخ گوئی به نیازهای اقتصادی و سیاسی جامعه ایران بر متن نفرت عمومی مردم از این رژیم بحران سیاسی در این نظام را زنده نگاه میدارد و اوضاع جامعه ایران را متحول و بحرانی نگاه داشته است.

۲ – علیرغم ناتوانی کمونیست ها در تبدیل شدن به پرچم اعتراض جامعه در مقابل جریان دو خرداد، تداوم بحران سیاسی در ایران و ناتوانی اپوزیسیون راست در سازمان دهی و رهبری هر مبارزه میلیتانت و رادیکال علیه جمهوری اسلامی و بحران عمیق ایدئولوژیک – سیاسی این اپوزیسیون ، فرصتی مجدد در باز سازی، عروج و رهبری جنبش سرنگونی از یک زاویه کمونیستی – کارگری را برای طبقه کارگر و برای حزب ما فراهم آورده است.

۳ – سیاست ارتجاعی دولت آمریکا برای سلطه بر جهان و امکان حمله آمریکا به ایران، حمله ای که میتواند شیرازه جامعه را از هم پاشد و بزرگترین تراژدی انسانی تاریخ معاصر ایران و منطقه را شکل دهد، به جنبش سرنگونی و نقش طبقه کارگر و حزب ما ابعادی بشدت پیچیده میدهد. مردم ایران و طبقه کارگر در این طوفان عظیم به قطب نمائی مطمئن و هدایت کننده ای مصمم، روشن بین و قدرتمند نیاز دارند.

۴ - کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر این امر واقف است که برای یک حزب سیاسی یافتن فرصت مجدد در رهبری یک جنبش در تاریخ کم سابقه است و در همان حال کنگره بر موانع بسیار عظیمی که در مقابل تحقق این امکان و پیروزی این حزب وجود دارد واقف است. اما این فرصتی است که دیگران ندارند و یک امکان تاریخی را در مقابل طبقه کارگر و این حزب قرار میدهد تا سوسیالیسم، آزادی و برابری انسانها در برخورداری از نعمات زندگی و دنیای کمونیسم طبقه کارگر را به یک واقعیت موجود در جهان امروز ما تبدیل کنند و زندگی انسان دوران معاصر را در این مسیر تغییر دهند.

۵ - کنگره بر این اصل اصرار دارد که پایه ای ترین و اساسی ترین شرط پیروزی در این اوضاع وجود یک حزب کمونیستی سیاسی، مدرن، اجتماعی، توده ای و قدرتمند است که بتواند رهبری، اتحاد، سازمان و اعتماد به نفس را در صفوف مردم و بویژه طبقه کارگر شکل دهد و این جنبش را به پیروزی برساند.

۶ - کنگره اول توجه کل حزب و رهبری آتی آن را به عملی کردن و گسترش ایده های مطرح شده توسط منصور حکمت در مباحث "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" جلب میکند.

۷ - کنگره کل حزب را فرا میخواند تا بخصوص اهداف زیر را با سرعت هرچه بیشتر عملی سازند:

i. حزب باید تبدیل به رهبر مبارزه مردم و طبقه کارگر گردد. بدین معنی حزب باید نه تنها یک دستگاه آژیتاسیون و روشنگری باشد بلکه به محمل اتحاد، لولای سازمان یابی و قدرت گیری مردم، طبقه کارگر و رهبران آنها تبدیل شود. در نتیجه حضور حزب در هر جا باید به معنی سازمان یافته تر شدن جامعه در مقابله با جمهوری اسلامی و افزایش نفوذ ارزش ها و ایده های انسانی کمونیسم طبقه کارگر باشد.

ii. نقطه شروع و نقطه خاتمه هر سیاست و هر روش و هر سنتی برای حزب باید جامعه باشد. رهبری حزب اکیدا باید از نظر فکری، سنتی و عملی حزب را از چپ غیر اجتماعی و غیر سیاسی جدا کند. تبلیغات، فرهنگ سازمانی و سنن تشکیلاتی

حزب باید از این زاویه مورد ارزیابی سریع و تغییر رادیکال قرار گیرند.

iii. کنگره بر این امر اصرار دارد که شاخص موفقیت حزب نه ارزیابی های سوپژکتیو بلکه درجه نفوذ حزب در جامعه، قابلیت حزب در ایجاد سدی در مقابل جمهوری اسلامی و نیروها و سنن ارتجاعی، و در تعداد انسانهای آزادیخواه و بخصوص آژیتاتورها و رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه کارگر که به حزب میپیوندند باید جستجو شود.

iv. کنگره بر اهمیت حیاتی تبدیل طبقه کارگر و بویژه صنایع کلیدی به پایگاه اصلی سیاسی، سازمانی و نفوذ معنوی حزب تاکید دارد. این حزب قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز باید حزب رهبران و آژیتاتور های کمونیست طبقه کارگر بشود.

v. حضور حزب در هر جا و هر محل باید با افزایش اتحاد در میان مردم و طبقه کارگر، افزایش قابلیت طبقه و مردم در پس زدن فشار های جمهوری اسلامی و فعالیت جریانات قوم پرست سناریو سیاهی، و بالاخره آمادگی مردم و طبقه کارگر در کوتاه کردن دست عوامل سناریو سیاه از زندگی خود و دفاع از جامعه در مقابل اضمحلالی که آمریکا، اسلام سیاسی و قوم پرستان و ماجراجویان سیاسی در تدارک آن هستند معنی پیدا کند.

vi. کنگره تاکید میکند که رابطه حزب و قدرت سیاسی باید ابعاد اجتماعی و فرا سازمانی داشته باشد و قبل از هر چیز با مساوی شدن حضور حزب در هر جا با تغییر تناسب قوای میان مردم و طبقه کارگر با جمهوری اسلامی، با سرمایه داران و با نیروهای ارتجاعی معنی شود.

vii. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، باید از قابلیت و قدرت حزب در کردستان به عنوان دروازه قدرت و اهرم سیاسی، تشکیلاتی و اجتماعی برای قدرت گیری حزب در سایر نقاط ایران استفاده نماید.

viii. حزب کمونیست کارگری حکمتیست باید به سرعت استانداردهای سازمانی، فرهنگی، سیاسی و حزبی را در جهت

ایجاد یک سازمان مدرن کمونیستی تغییر دهد. رهبری حزب باید تحقق یک وظیفه تاریخی یعنی ایجاد یک حزب کمونیستی سیاسی اجتماعی، توده ای را تضمین کند. رهبری حزب حکمتیست باید برای اولین بار در تاریخ معاصر جهان یک حزب کمونیستی توده ای مدرن را در مقابل طبقه کارگر جهانی قرار دهد.

ix. کنگره اول مصر است که معیارهای درون حزب باید تماماً سیاسی باشند، کنگره بر باز بودن فضای سیاسی و فرهنگی حزب تأکید دارد و در همان حال خواستار عدم سازش با هر سنت و روشی که حزبیت و دیسپلین حزبی را زیر پا می نهد است.

# بیانیه در مورد جنبش رهایی زن در ایران و وظایف حکمتیست ها

## بنیاد فرودستی زن

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. زنان در اغلب نقاط جهان از حقوق برابر با مرد برخوردار نیستند و از همان حداقل حقوق و آزادی هایی که مردان از آن برخوردارند، محروم اند. اما در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر، در جوامعی که نفوذ مذهب و سنتهای کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه گسترده تر است، فرودستی زن در آشکارترین و زمخت ترین شکل، زندگی صدها میلیون زن را در چنگال خود میفشارد.

ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ را تکامل بخشیده و به مبنایی برای تداوم مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بیحقوقی امروز زن در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسانها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ستمکشی زن، همچون تبعیض نژادی و ملی و مذهبی، برای سرمایه داری امکانی برای ایجاد شکاف و رقابت درونی بر مبنای جنسیت، در اردوی مردم کارکن است. شکاف و رقابت در صفوف مردم کارکن یکی از ارکان ارزان تر کردن



دائمی کار کارگر است. شکل دادن و تداوم بخشیدن به وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر، مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر، و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برای سرمایه داری جز از طریق تبعیض به خاطر جنسیت، ملیت، مذهب و نژاد و ... ممکن نیست.

## موقعیت زن در جوامع اسلام زده - ایران

این واقعیت که رهایی زن شاخص رهایی جامعه است بیش از هر کجا در محیط های اسلام زده در سراسر جهان و در جامعه اسلام زده ایران صادق است. در جوامعی که حاکمیت اسلام و اعمال یک آپارتاید جنسی بر سرتاپای آن، رובنای ارتجاعی ترین شکل حاکمیت سرمایه است، حرمت زن به نحو انکار ناپذیری به حرمت انسان در آن جامعه گره خورده است.

در ایران، نیمی از مردم، زنان، به خاطر جنسیت به موقعیت نازل تر از بردگان قرون وسطی تنزل داده شده اند. این واقعیت به یک جنبش مقاومت و مبارزه میلیونی زنان برای برخورداری از حداقل حقوق انسانی خود، شکل داده است. زنان از بدو حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از ربع قرن است که در جنگ و جدل هر روزه با حکومت اند. در ایران رهایی زن و برخورداری او از کلیه نعمات مادی و معنوی جامعه، به مهمترین معیار بهبود شرایط زندگی همه مردم و رهایی جامعه تبدیل شده است.

رهایی زن و برخورداری او از آزادی و برابری، آمال و آرزوی اکثریت مردم ایران است. شرایط و ملزومات این رهایی اما بیش از هر چیز به حاکمیت ارتجاع اسلامی و عدم دسترسی مردم به دستاوردهای بشر متمدن در زمینه برابری زن و مرد، گره خورده است. بنحوی که هر نوع بهبود جدی در وضعیت زنان پایه های حکومت اسلامی در ایران را میلرزاند. جنبش احقاق حقوق زنان در ایران، از ارکان جنبش سرنگونی حکومت اسلامی و در صف مقدم آن است.

رهایی زنان در ایران، کار جنبش آزادی و برابری است. رهایی زن کار جنبش و صفی است که رادیکال ترین و ماگزیمالیست ترین مطالبات را بر پرچم خود دارد و سازش ناپذیر ترین مبارزه را با جمهوری اسلامی و برای برقراری یک

جامعه سکولار و آزاد سازمان میدهد. احقاق حقوق انسانی زنان کار جنبش عدالتخواهانه طبقه کارگر، کمونیست‌ها، و جنبش ضداسلامی در ایران است.

رهایی زن نمی‌تواند کار ناسیونالیست‌ها، قوم پرستان و جریانات ملی و مذهبی و گرایش‌های سازشکار درون جنبش حقوق زنان باشد. آزادی و برابری زن و مرد نمی‌تواند امر جنبشی باشد که حقوق ابتدایی زنان را به مذهب و قومیت و جنسیت و منافع طبقاتی طبقات حاکم می‌فروشد. این جریانات نه خواهان کوتاه کردن دست اسلام و دین از زندگی زنان هستند و نه علیه مردسالاری لجام گسیخته حاکم از حقوق زنان دفاع می‌کنند.

نیروهایی که مذهب رسمی می‌خواهند، نیروهایی که سکولاریسم نیم بندشان در مقابل مطالبات رادیکال و ماکزیمالیست زنان و در مقابل حمله انتقادی به زن ستیزی اسلامی به بهانه‌های مختلف سد می‌بندد، نمی‌توانند مبشر رهایی زن باشند. نیروهایی که مطالبات رادیکال زنان را "زیاده روی" و "افراط" می‌خوانند، نیروهایی که حجاب این سمبل آپارتاید جنسی را موضوعی "کم اهمیت" و "قابل گذشت" میدانند، نیروهایی که حجاب از سرزن بر میدارند و بر تن آنها لباس قومی و مذهبی و ملی می‌پوشانند، نه در صف جنبش مترقی احقاق حقوق زن، که پسقراولان توجیه بی حقوقی زن اند.

تنها چپ جامعه و کمونیسم است که با مطالبات ماگزیمالیستی، رادیکال در دفاع از حقوق انسانی زنان، در کنار زنان قرار می‌گیرند. کمونیسم و طبقه کارگر در ایران نیرویی است که میتواند توده میلیونی زنان را صرف نظراز زبان، رنگ، مذهب، ایدئولوژی، شغل، تعلق طبقاتی و موقعیت اجتماعی حول مطالبات روشن و انسانی خود جمع کند و در پیشاپیش یک جدال عظیم اجتماعی برای رهایی زنان قرار بگیرد. حزب حکمتیست به این صف و این جنبش تعلق دارد و تلاش میکند که پیشاپیش این صف، سرنگونی جمهوری اسلامی را با احقاق حقوق کامل زنان، توأم کند.

## حزب حکمتیست معتقد است که:

- یکی از مهمترین ابزارهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در سیر سرکوب انقلاب ۵۷ و پایه ریزی حاکمیت اش، تعرض به ازادیهای فردی و

اجتماعی مردم و در راس آن تعرض به ابتدایی ترین حقوق انسانی زنان بود. جمهوری اسلامی تنها با حاکم کردن قوانین اسلامی بر تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی مردم، برقراری حجاب اجباری، جدا سازی زن و مرد، تحکیم یک سیستم مبتنی بر آپارتاید جنسی، و قانونیت و رسمیت بخشیدن به نازل ترین موقعیت ممکن برای زنان، توانست شکل بگیرد و ربع قرن حکومت کند.

- جمهوری اسلامی اما از بدو به قدرت رسیدن با جامعه ای روبرو بوده است که در مقابل اسلامیزه کردن جامعه و تبعیض بر زنان، سرسختانه مقاومت کرده است.

- ایران پس از انقلاب ۵۷ شاهد مبارزه و مقاومت زنان و جنبش‌ رهایی آنان بعنوان یک واقعیت قدرتمند سیاسی و یک جنبش تحول بخش زنانه بوده است. جنبشی که جمهوری اسلامی و قوانین و احکام اسلامی را روزمره به مصادف طلبیده است. میلیونها زن و جوان دختر و پسر در ایران در صف این جنبش، دو دهه تنور مبارزه علیه زن ستیزی حکومت اسلامی را گرم نگاه داشته اند.

- در ایران یک جنبش اعتراضی رادیکال و وسیع، علیه قوانین اسلامی و دخالت مذهب در زندگی زنان، علیه حجاب و جدایی جنسی و مردسالاری وجود دارد. به میزانی که اسلام خود را بر زندگی زنان تحمیل کرده، بهمان میزان اسلام زدایی و ضرورت رهایی از جمهوری اسلامی، اجتناب ناپذیر و به خواست میلیونی مردم تبدیل شده است. این واقعیت به انقلاب آتی ایران رنگ غلیظ زنانه زده است.

- موقعیت فرودست زن در ایران به حیات جمهوری اسلامی گره خورده است. روزی که آپارتاید جنسی برقرار نباشد و حجاب و تبعیض جنسی و کلیه قوانین اسلامی لغو شده باشد، روزیست که جمهوری اسلامی سرنگون شده است.

- سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، سرنگونی که علاوه بر خلاصی از حاکمیت اسلام، مبشر آزادی و برابری زن و مرد و تامین و تضمین کننده

رهایی زن باشد، کار کمونیست ها، کار جنبش طبقه کارگر و حکمتیست ها است.

- این سرنگونی و انقلاب زنانه بدون سازمانیابی وسیع، انسجام صفوف مبارزه زنان، تشکل یابی و متحد شدن گرد پرچم یک حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند که میخواهد و میتواند جنبش رهایی زن در ایران را به پیروزی برساند، ممکن نیست.

- مبارزه سازمانیافته، بی وقفه و رادیکال برای رهایی زنان یک رکن مهم خلاصی مردم از هیولای حکومت اسلامی ایران است. حزب حکمتیست خود را پیشتاز این مبارزه میداند و تلاش میکند که با متحد و متشکل کردن میلیونی زنان و مردم آزادیخواه در صفوف خود، بلافاصله موارد زیر را متحقق کند:

- جدایی مذهب از دولت و کوتاه کردن دست اسلام و دین از زندگی زنان!

- لغو فوری حجاب و آپارتاید جنسی و تضمین آزادی بدون قید و شرط پوشش و معاشرت آزادانه زن و مرد!

- لغو کلیه قوانین ضد زن در محیط های کار، خانواده، جامعه و در زندگی سیاسی مردم!

- اعلام فوری برابری کامل حقوقی زن و مرد در تمام شئون زندگی خصوصی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و فرهنگی!

- مبارزه ای بیوقفه فکری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علیه کلیه وجوه حاکمیت و نفوذ مردسالاری و فرهنگ مردسالار!

- ممنوعیت هرگونه دخالت در زندگی شخصی و اجتماعی و فرهنگی زنان توسط هرکس، از جانب دولت یا نهادهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، یا هر مقام مذهبی و خانوادگی.

- ممنوعیت هر نوع خشونت جسمی، روحی و روانی نسبت به زنان توسط هر کس، هر مقام مذهبی، دولتی و خانوادگی.
  - تامین اجتماعی زنان و همه مردم، تامین بالا ترین سطح رفاه و آسایش ممکن، برای همه.
  - پرداخت بیمه بیکاری مکفی و با استاندارد بالا به زنان و همه کسانی که آماده به کار هستند، مستقل از وضعیت مالی همسر و سایر اعضا خانواده!
  - حمایت وسیع مادی و معنوی از دختران در خانواده. حمایت از کودکان دختر در مقابل تحمیل محرومیت های فردی، تبعیض و خشونت علیه آنها در خانواده.
  - حمایت وسیع مادی و معنوی از زنان قربانی خشونت، فحشا، اعتیاد و فقر.
  - فراهم کردن امکان اشتغال وسیع زنان و رفع موانع آن.
  - فراهم کردن امکان تحصیل و آموزش حرفه ای وسیع زنان و رفع موانع آن.
- حزب حکمتیست همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را به پیوستن به صفوف خود برای مبارزه در راه تحقق مطالبات انسانی زنان و محو کامل آپارتاید جنسی و زن ستیزی در ایران و تامین آزادی و برابری زن و مرد، فرا می خواند.

## بیانیه در باره اوضاع جهان و موقعیت کمونیسیم

۱- تحولات اوضاع جهان در دو دهه اخیر، شرایط خطیر و پرتلاطمی برای زندگی انسان و برای مبارزه طبقه کارگر جهانی ببار آورده است. در این دوره، باوجود جهشهای عظیم در تکنولوژی و تولید جامعه، سهم انسان کارگر از زندگی امروزی، از امنیت و آزادی، از سلامت و فراغت و شادی و از ثروت بیکرانی که محصول کار اوست پیوسته کاهش یافته است. میلیاردها انسان اسیر بدترین شرایط استثمار، شنیعترین فقر و فلاکت، جنگ و گسیختگی جامعه و انبوه مشقاتی هستند که چشم انداز پایان و یا تخفیف ولو موقت آن روشن نیست. علاوه بر تنزل معیشت و حقوق و حرمت انسان، ارزش جان انسان به طرز هولناکی افت کرده است. در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در دل عظیمترین انقلابات تکنولوژیک، بقاء فیزیکی معضل دهها میلیون انسان از کشورهای فقرزده و جنگزده آفریقا و آسیا تا پایتختهای اروپا و آمریکاست. در این دوره مخوف از حیات سرمایه داری، جوهر ضدانسانی این نظام، خود را در شدیدترین درجات استثمار نیروی کار، کریهترین اشکال ارتجاع سیاسی، جنگ و میلیتاریسم، تروریسم دولتی و غیردولتی، عقبگردهای فکری و فرهنگی و اخلاقی، احیاء خرافات مذهبی و قومی، کودک آزاری، زن ستیزی و زن کشی، فروپاشی زندگی مدنی، و ناامنی و بیحقوقی وسیع انسانها علنا نشان داده است.

۲- دو روند عمومی در اقتصاد و سیاست جهانی اساس این تحولات و تناقضات بوده است:

الف- گسترش سرمایه به سراسر جهان، رشد خیره کننده تکنولوژی، انقلاب عظیم

در ظرفیتهای تولیدی جامعه و همزمان افزایش تیره روزی کارگران و توده های تهیدست، کمونیسم را از نظر عینی، بیش از هر زمان دیگر، به یک راه نجات واقعی و تحقق پذیر برای کل جامعه بشری بدل کرده است؛

ب- به رغم این واقعیت عینی پیشرو، موجی از پسروی و چرخش به راست، بدنبال سقوط کمونیسم بورژوائی بلوک شرق در برابر تعرض جناح راست بورژوازی، از دو دهه پیش جهان را فرا گرفته و هنوز در ابعاد و اشکال متفاوت ادامه دارد. این عقبگرد تاریخی، تأثیرات مخرب و فراگیری بر سیمای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جهان بجا گذاشته و انقلاب کمونیستی و مبارزه دائم طبقه کارگر را با موانع جدی و مصافهای تازه روبرو کرده است. تناقض موجود میان نیاز جامعه به تحول کمونیستی و آمادگی شرایط تولیدی برای ساختمان جامعه مبتنی بر مالکیت اشتراکی و رها از کار مزدی، با ناآمادگی و ضعف نیروی سازمانیافته کمونیستی برای ایجاد این تحول، یک تناقض بنیادی اوضاع جهان است که امروز به حکم تحولات دولبه و متناقض دو دهه اخیر، از همیشه نمایانتر است.

۳- هیاهوی "مرگ کمونیسم"، "پایان تاریخ" و "پایان مبارزه طبقاتی" که با سقوط شوروی، توسط جناح راست بورژوازی براه افتاده بود، چند سال بیشتر عمر نکرد. سقوط سرمایه داری دولتی بلوک شرق، تناقضات نظام سرمایه داری بازار در غرب "پیروز" را عریانتر ساخت. حضور عینی و اجتماعی کمونیسم در حرکت ضد سرمایه داری طبقه کارگر، در اعتراضات گسترده کارگری در اکثر کشورها بویژه کشورهای پیشرفته اروپا خود را اثبات کرد. بعلاوه سقوط کمونیسم بورژوائی، به کمونیسم طبقه کارگر امکان داد که پس از دهها سال رانده شدن به حاشیه جامعه، از نو به صحنه جدال سیاسی و اجتماعی باز گردد. نظر به گسترش عینی طبقه کارگر در پهنه جهان و فرجه تاریخی مساعد برای ابراز وجود کمونیسم کارگری، هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل کمونیسم به یک نیروی مادی اجتماعی فراهم نبوده است.

۴- از این منظر، منصور حکمت بنیانگذار کمونیسم کارگری در همان مقطع دو دهه پیش، روند تحولات در شرف وقوع را با تیزنگری و با کاربست تئوری کمونیسم مارکس به جهان انتهای قرن بیست دیده بانی و تحلیل کرد و بر اهمیت تاریخی آن تأکید گذاشت. به این ترتیب گرایش نوحاسته کمونیسم کارگری نه فقط با سقوط کمونیسم بورژوائی غافلگیر نشد، نه فقط به صف قربانیان آوار آن نیبوست، بلکه در برابر تعرض ایدئولوژیک جناح راست بورژوازی، دست بکار سنگربندی و تدارک فکری، سیاسی و حزبی شد و به یک ترند سیاسی حزبیت یافته رادیکال و رزمنده در دو کشور ایران و عراق شکل داد. این پیشروی، موقعیت کمونیسم را از نظر

سیاسی یک گام بلند جلو برد و جایای استواری برای آن تثبیت کرد. حزب کمونیست کارگری حکمتیست یا بر این جایای استوار دارد و به دیدگاه مارکسیستی منصور حکمت از مقتضیات این دوره مسلح است.

۵- رخنه سرمایه و سرمایه داری به سراسر کره زمین، روند معروف به جهانی شدن (*globalisation*)، همراه با بالا بردن سودآوری سرمایه در دو دهه اخیر، وزنه و موقعیت طبقه کارگر در تولید و پتانسیل تاثیرگذاری آن بر سیاست و جامعه را نیز بالا برده است. این نقطه قوت عینی کمونیسم زمان ماست. کمونیسم باید موانع اتکاء خود به این نقطه قوت عینی تاریخساز را بشناسد و بر آن غلبه کند. این موانع از طرفی حاصل عملکرد اردوی سرمایه در شرایط پس از سقوط بلوک شرق؛ و از طرف دیگر ناشی از بی سر و سامانی در خود اردوی طبقه کارگر جهانی و در صف رهبران و پیشروان رادیکال و کمونیست است.

۶- سرمایه جهانی برای کسب بالاترین سطح سودآوری در قلمروهای تازه فتح کرده خود، نیازمند کشیدن شدیدترین درجه استثمار از گرده وسیعترین نیروی کار ارزان در بیشترین پهنه جهان است. سرمایه در عین حال باید اردوی بیشمار کار ارزان را باز تولید کند. این نیاز عینی سرمایه، بر متن تغییر بالانس در صفبندی قدرتهای بزرگ امپریالیستی پس از سقوط بلوک شرق، پایه مادی عروج راست جهانی و انواع دیگر ارتجاع در گوشه و کنار دنیاست. هر یک از این گرایشات، از نئوکنسرواتیسیسم حاکم بر آمریکا تا اروپا محوری جدید تا جریانات رنگارنگ ناسیونالیست، فاشیست، قومپرست، اسلام سیاسی و غیره، متناسب با مکان خود در تقسیم کار جهانی، پاسخ جداگانه خود به نیاز سرمایه در جهان امروز را طرح و تعقیب میکنند.

۷- پاسخی که هیات حاکمه آمریکا، بویژه جریان نئوکنسرواتیو، به اوضاع جهان داده است، قدری نظامی و جنگ افروزی در راس ائتلافی از دولتهای امپریالیست برای تحمیل یک "نظم نوین جهانی" است که مصائب فوق العاده ای برای بشریت ببار آورده است. در غیاب یک آلترناتیو آزادیخواهانه و انسانی و یک جنبش کمونیستی نیرومند که بتواند قدری و جنگ افروزی آمریکا و متحدانش را سد کند و عقب براند، جریانات تا مغز استخوان ارتجاعی، از جمله اسلام سیاسی و در مرکز آن جمهوری اسلامی ایران، فرصت یافته اند که خود را میداندار مقابله با قدری آمریکا قلمداد کنند. امروز صحنه سیاست جهانی از یک سو نمایشگاه خونین "نظم نوین جهانی" آمریکا و سناریوهای سیاه حاصل از آن، و از سوی دیگر میدان تاخت و تاز جریانات ارتجاعی رنگارنگ و عرصه جدال مدعیان بیشمار بر سر سهم خود در اوضاع پرهرج و مرج کنونی است. امروز سرنوشت جهان دارد توسط جنگ و قدری



قدرتهای بزرگ امپریالیستی برای کنترل و تقسیم مجدد جهان بر متن جدال بخشهای مختلف بورژوازی برای تصاحب سهم بیشتر از انباشت حاصل از استثمار جهانی طبقه کارگر، رقم زده میشود.

با حرکت از این موقعیت جهانی - طبقاتی کمونیسم، کنگره اول حزب کمونیست کارگری حکمتیست بر خطوط عمومی زیر در ارتباط با اوضاع جهان تاکید میگذارد:

الف- در شرایطی که قلدری و جنگ افروزی آمریکا و متحدانش و تاخت و تاز جریانات ارتجاعی دیگر، جهان را به صحنه جنگهای ارتجاعی بیوقفه، روند مکرر سناریو سیاه و فروپاشی مدنیت جامعه بدل کرده است، کمونیسم معاصر باید به چنان نیروی اجتماعی قدرتمندی بدل شود که قادر باشد در تقابل با همه گرایشهای بورژوازی، پاسخ انقلابی و آلترناتیو انسانی و آزادیخواهانه خود به مصائب و مشقات این دوره مخوف را جلو جامعه بگذارد و نیروی طبقه کارگر و توده های محروم را به دور پرچم خود گرد آورد. جهان نباید میدان یکه تازی سرمایه و دولتهای ارتجاعی آن باشد. طبقه کارگر، بویژه در غرب، باید بار دیگر قدرت طبقاتی خود را با متوقف کردن چرخهای تولید به میدان آورد و بر لجام گسیختگی بورژوازی کشورهایشان افسار بزند. کمونیسم طبقه کارگر باید در ظرفیت یک جنبش اجتماعی - طبقاتی، مستقل از جنگ و جدال لایه های بورژوازی جهانی، رهبری سیاسی جامعه در مسیر انقلاب بیوقفه تا تحقق جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه را بدست گیرد و پتانسیل طبقاتی - جهانی اش را به قدرت بالفعل و پشتوانه پیشروی و پیروزی خود بدل کند.

ب- سازمان دادن یک جنبش جهانی قدرتمند علیه جنگ افروزی آمریکا و متحدانش از اولویتهای سیاسی حزب حکمتیست در این دوره است. حزب حکمتیست تلاش میکند که مبلغ، فراخوان دهنده و پیشقدم راه اندازی چنین جنبشی باشد و در حد توان به سازمان دادن آن یاری برساند. طبقه کارگر باید در صف مقدم این جنبش قرار گیرد. طبقه کارگر در هر کشور، نه فقط نباید برای بورژوازی کشور "خود" در جنگ قدرت با دیگر بخشهای بورژوازی سلاح بردارد، بلکه باید علیه جنگ افروزی آن به سلاح اعتصاب دست ببرد و این سلاح را برای عقب راندن قلدری و جنگ افروزی آمریکا و متحدانش هر چه مداومتر، فعالانه تر و موثرتر بکار گیرد.

پ - بحران کنونی خاورمیانه، جان گرفتن مجدد اسلام سیاسی و در مرکز آن جمهوری اسلامی، تیره ریزی مردم عراق، مشقات مردم فلسطین، ویرانی جامعه لبنان و خانه خرابی مردمش، همگی توسط قلدری امپریالیستی آمریکا و اسرائیل و حامیانشان ببار آمده است. حمله آمریکا و انگلستان به عراق و اشغال آن کشور،

ادامه اشغالگری و توحش اسرائیل علیه مردم فلسطین و جنگ اخیر اسرائیل علیه لبنان، ابعاد خطرناکی به بحران منطقه داده است. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و حزب کمونیست کارگری عراق بعنوان پرچمداران کمونیسم کارگری در منطقه باید نیروی طبقه کارگر و توده های مردم را برای پایان دادن به این اوضاع خطیر زیر پرچم آلترناتیو سیاسی و راه حل های خود متحد کنند و سازمان دهند.

ت - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر آمریکا و متحدانش از عراق و کوتاه کردن دست دارودسته های به قدرت خزیده اسلامی و قومی از سرنوشت سیاسی مردم آن کشور است. حزب حکمتیست با تمام توان از حزب کمونیست کارگری عراق پشتیبانی میکند. حزبی که در شرایط دشوار و مشقتبار جامعه عراق، قاطعانه پرچم کمونیسم کارگری را برافراشته و در تلاش است که با به میدان آوردن نیروی کارگران و مردم آزادیخواه، به اوضاع جهنمی ای که با لشکرکشی و اشغالگری آمریکا و متحدانش و با تاخت و تاز دارودسته های اسلامی و قومی و باندهای آدمکش بر مردم آن جامعه تحمیل شده است پایان دهد. ما مبارزه در حال جریان کمونیسم در عراق را امر مستقیم خود میدانیم و تا کسب پیروزی کامل با تمام توان در کنار تلاش سرسختانه حزب کمونیست کارگری عراق خواهیم بود.

ج - معضل فلسطین حاصل و بازمانده بیش از نیم قرن قلدری امپریالیستی آمریکا و غرب و توحش فاشیستی دولت قومی مذهبی اسرائیل است و تاریخا یک فاکتور موثر در ادامه بحران خاورمیانه بوده است. اعمال ستم و توحش دولت اسرائیل بر مردم ستمدیده فلسطین در چند سال گذشته پاپای تصاعد قلدری نظامی آمریکا و اشغال عراق، رو به تصاعد گذاشته و مصائب سنگین جدیدی بر نیم قرن مشقات مردم فلسطین افزوده است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر اسرائیل از سرزمینهای فلسطینی و تشکیل دولت مستقل فلسطین است، دولتی با حق حاکمیت کامل بر قلمرو خود و دارای حقوق متساوی با دولت اسرائیل. برقراری صلح پایدار در خاورمیانه کار کمونیسم به قدرت رسیده در کشورهای خاورمیانه است که در اتحاد با طبقه کارگر در غرب، برای همیشه به خصومت تاریخی ایجاد شده توسط قدرتهای امپریالیست و ارتجاع اسلامی و ناسیونالیست محلی، میان مردم این منطقه و مردم جوامع غربی، پایان دهد.

چ - جمهوری اسلامی ایران مظهر توحش و سرکوب و خفقان اسلامی علیه مردم ایران و در عین حال یک پای اصلی تداوم و پیچیده تر شدن بحران خطیر خاورمیانه است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست دشمن سرسخت جمهوری اسلامی است و با تمام نیرو برای سرنگونی آن تلاش میکند. حزب حکمتیست جلب حمایت فعال طبقه کارگر جهانی و افکار عمومی آزادیخواه از مبارزه مردم ایران برای

سرنگونی جمهوری اسلامی را یک وظیفه دائم خود میداند. حزب حکمتیست در عین حال طبقه کارگر و افکار عمومی آزادبخواه جهان را فرا میخواند که در برابر جنگ افروزی آمریکا و متحدانش علیه ایران به بهانه کشمکش هسته‌ای با رژیم اسلامی، قاطعانه بایستند. هرگونه حمله نظامی، تهدید نظامی و اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران توسط آمریکا و متحدانش و یا توسط سازمان ملل، به زیان مبارزه آزادبخواهانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی و به نفع ادامه عمر این رژیم است و باید فعالانه با آن مخالفت کرد.

ح - تحزب کمونیستی رکن اصلی قدرتمند شدن جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. تشکیل احزاب سیاسی کمونیستی کارگری روشن بین، توده‌ای و قدرتمند، احزابی با کاراکتر اجتماعی، مارکسیست و انترناسیونالیست ضرورت حیاتی کمونیسم زمانه ما برای سازماندهی همه جانبه مبارزه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک طبقه کارگر در سطح کشورها و در پهنه جهانی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به تناسب امکان واقعی، به تشکیل چنین احزابی یاری میرساند و مقدم بر هر چیز میکوشد که در قلمرو مستقیم فعالیت خود در صحنه سیاست ایران، الگوی چنین حزب سیاسی اجتماعی توده‌ای را بدست بدهد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تقویت سیاسی و فکری نطفه‌های کمونیستی‌ای که در دل مبارزات و حرکات کارگری و آزادبخواهانه حول رهبران و پیشروان رادیکال طبقه کارگر شکل میگیرند، را یک وظیفه مهم و دائمی خود میداند و بر آنست که شکل دادن به یک قطب جهانی کمونیستی، که پایای تحکیم موقعیت اجتماعی و سیاسی و قدرتگیری احزاب کمونیست کارگری سنگ بنای یک انترناسیونال نوین کمونیستی را بسازند، وظیفه هر نیروی کمونیست در هر گوشه جهان است.

خ - سرمایه با اتکاء به پیشرویهای جهانی شدن، تمرکز استراتژیک خود را بر تقسیم جهان به دو حوزه جداگانه نیروی کار و تحمیل نازلترین سطح دستمزد و معیشت بر کارگران در خارج محدوده کشورهای مترویل گذاشته و از این راه تنزل معیشت و بیکارسازیهای گسترده‌ای را به کارگران کشورهای مترویل نیز تحمیل کرده است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از هر تلاشی برای سازمان دادن مقابله متحدانه و موثر بخشهای گوناگون طبقه کارگر با این استراتژی جهانی سرمایه حمایت میکند و با تمام توان در این عرصه تلاش خواهد کرد. حزب حکمتیست جلب بیشترین همبستگی انترناسیونالیستی برای مبارزات جاری طبقه کارگر در هر گوشه از جهان را یک وظیفه مهم و حیاتی کمونیستها میداند.

د - سازمانیابی اتحادیه‌ای کارگران و کل افق یونیونیسم در این دوره ناکارائی خود را در برابر تعرضات بورژوازی و روند جهانی شدن سرمایه نشان داده است. این

واقعیت فضا را برای فکر کردن و دست بردن رهبران و پیشروان کارگری به اشکال و شیوه های آلترناتیو سازمانیابی کارگری بویژه در اروپا بازتر کرده است. پراتیک کردن جنبش مجامع عمومی در خلال تحرکات کارگری سالهای اخیر در اروپا، یک پیشروی مهم جنبش طبقاتی ما در عرصه سازمانیابی است.

ذ - پیشبرد یک تعرض تئوریک مجدد مارکسیستی به بنیادهای فکری و سیاسی ترندهای رنگارنگ بورژوازی و نقد زنده و امروزی آنها یک ضرورت پیشروی کمونیستی و شفافیت بخشیدن به هویت مارکسیستی در صفوف جنبش کمونیسم است.

سرمایه داری دیرزمانی است که اروپا-محور و غرب-محور باقی نمانده است. سرمایه داری تماما جهانی شده است. کمونیسم معاصر هم تماما جهانی است. کمونیسم میتواند در هر کشور و هر بخش از جهان به قدرت سیاسی و بدیل اجتماعی تبدیل شود، راه پیشروی خود را باز کند و به پیروزی ماندگار دست یابد. حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست مصمم است با سرنگونی جمهوری اسلامی و ادامه بلانقطاع آن به انقلاب کارگری، کمونیسم را در ایران به پیروزی برساند و آن را به وثیقه احیاء کمونیسم جهانی و تخته پرش انقلاب کمونیستی در سایر کشورهای منطقه و جهان بدل کند.

# قرارها

## قرار در مورد

### ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم

عروج قوم پرستی و طرح فدرالیسم قومی در فضای سیاسی ایران، پدیده ای بسیار خطرناک است و بانی جنگ و کشتار و پاکسازی قومی در آینده ایران بوده و حرکتی علیه زندگی و امنیت و مدنیت مردم و جامعه است. عروج قوم پرستی و تشدید فعالیت جریانات و گروههای قوم پرست و فدرالیست در یک سال اخیر محصول ۲ فاکتور اساسی است.

۱- سرمایه گذاری دولت سوپر راست بوش بر گروههای قومی و فدرالیست همچون اهرم فشار و ابزار پیشبرد سیاستهای "نظم نوینی" و زور گویانه خود و از طرف دیگر امید جریانات قوم پرست به تکرار تجربه عراق در ایران با اتکا به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی آمریکا و طرحها و امکانات نظامی پنتاگون به بهانه مقابله با جمهوری اسلامی

۲- بر بستر تداوم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و گسترش تنفر عمیق مردم از این رژیم و با اتکا به ژورنالیسم نوکر و میدیای سخنگوی منافع بورژوازی با اتکا به مهندسی افکار عمومی ویروس ناسیونالیسم و ناسیونالیستهای رنگارنگ را در صحنه سیاسی ایران فعال شده است. در غیاب هژمونی و نفوذ عمومی سیاست چپ در جنبش سرنگونی ناسیونالیسم و قوم پرستی بویژه موجب تحركات قوم پرستانه در ایران و مشخصا در خوزستان، کردستان و آذربایجان شده است و در مواردی از جمله در اهواز و آذربایجان موجب پیدایش تظاهرات های ارتجاعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی، زیر لوای مبارزه با جمهوری اسلامی، بوده است که پلاتفرم نفرت پراکنی قومی و پایه گذاشتن کینه و دشمنی در میان صف وسیع انسانهایی است

که سالها در کنار هم زیسته اند.

این واقعیات و یاد آوری تجربه نسل کشی های قومی در رواندا، بالکان، افغانستان و جنگ و کشتار مذهبی و قومی عراق کنونی تحت اشغال آمریکا، هر حزب و جریان اجتماعی مسئول در قبال امنیت و مدنیت مردم را به صف مبارزه فعال و قاطع علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم برای آینده ایران فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست جبهه بی امان مبارزه مستمر علیه قوم پرستان و جریانات ضد انسانی و ضد مردمی فدرالیست را گشوده است. طرد و رسوا کردن جریانات سیاه قوم پرست و فدرالیست را وظیفه تخطی ناپذیر خود میداند.

کنگره اول حزب حکمتیست، کارگران و مردم ایران، صف میلیونی انسانهای متنفّر از جمهوری اسلامی، همه آزادیخواهان و سازمانها و نهادها و تشکل های چپ، مترقی و مدنی را به حضور فعال در صف مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم فرا میخواند.

## **قرار در مورد گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران**

با توجه به اینکه:

۱ - گارد آزادی از ابزارهای مهم و اساسی مقابله با خطر سناریوی سیاه در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین بنیادهای زندگی، امنیت و مدنیت مردم و تسهیل مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است و گارد آزادی در ۲ سال اخیر به نقطه امیدی تبدیل شده است.

لذا کنگره اول حزب حکمتیست ضمن تاکید بر قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی در مورد گارد آزادی در اکتبر ۲۰۰۵، بر اهمیت گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران اصرار دارد و از رهبری منتخب کنگره اول حزب و دست اندرکاران مستقیم گارد آزادی میخواهد طبق نقشه روشن گسترش سریع واحدها و فعالیتهای گارد آزادی را در شهرها تضمین کنند.

## قرار در مورد تشکیل شورای عالی امنای حزب

به منظور

الف - حفظ و بکارگیری مداوم تجربه، دانش و بصیرت رهبران و فعالین حزب در حیات سیاسی و تشکیلاتی حزب، تقویت ثبات و پیوستگی در زندگی سیاسی و تشکیلاتی حزب و ارج نهادن به سابقه و تجربه طولانی و ارزشمند فعالیت کمونیستی

ب - تسهیل امکان بازسازی رده های بالای حزب و انتقال این تجربیات به نسل جدید تری از رهبران حزب

کنگره اول حزب حکمتیست تشکیل شورای عالی امنای حزب را مطابق مقررات زیر تصویب میکند و عضویت در آن را بالاترین افتخار حزبی میداند.

۱ - شورای عالی امنای حزب حقوق و اختیارات زیر را دارد:

i - اعضای شورا میتوانند در کنگره های حزب با حق رای شرکت کنند.

ii - اعضای شورا، بعنوان مشاور، حق شرکت در پلنوم های کمیته مرکزی و جلسات دفتر سیاسی را دارند.

iii - بطور روتین تصویب مصوبات رهبری حزب در شورای عالی امناء الزامی نیست. اما در صورتیکه یک مصوبه خاص در جلسه شورا، با اکثریت آراء، رد شود، آن مصوبه باید جهت بحث و تصویب مجدداً در دستور کار رهبری حزب قرار گیرد. در صورت تصویب مجدد مصوبه مورد بحث توسط رهبری حزب آن مصوبه لازم الاجرا خواهد بود.

iv - شورای عالی امنای حزب مرجع نهائی رسیدگی به شکایت در مورد زیر پا گذاشتن مقررات و ضوابط تشکیلاتی از جانب کمیته مرکزی و یا دبیر کمیته مرکزی است. این شورا میتواند در دادن حق به شاکی خواستار لغو تصمیم مورد شکایت بشود.

۲ - عضویت در شورای عالی امنای حزب مادام العمر است، مگر اینکه فرد خود از عضویت در حزب و این شورا کناره گیری کند و یا برخلاف موازین حزبی عمل نماید و عضویت وی در حزب در جلسه مشترک شورای عالی امناء و کمیته مرکزی حزب خاتمه یابد.

۳ - شرط عضویت در شورای عالی امنای حزب به قرار زیر است:

- i. عضویت در حزب.
- ii. نداشتن عضویت در کمیته ها و نهاد های اصلی حزب و هیچ پست کلیدی تشکیلاتی دیگر.
- iii. داشتن مجموعاً حداقل ده سال سابقه فعالیت تشکیلاتی با حزب کمونیست کارگری تا سپتامبر ۲۰۰۴ و با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست.
- iv. داشتن حداقل پنج سال سابقه فعالیت بعنوان عضو یکی از کمیته های اصلی حزب (کمیته های منطقه ای، کمیته های شهرستان، کمیته مرکزی).

۴ - نحوه تعیین اعضای شورای عالی امناء به قرار زیر است:

- i. هر کاندید عضویت در شورای عالی امناء باید لااقل از جانب ۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی کاندید شود.
- ii. پلنوم کمیته مرکزی اعضای این شورا را انتخاب میکند.
- iii. کمیته مرکزی حق دارد در سال حداکثر دو نفر را به عضویت شورای عالی امناء انتخاب کند.

۵ - تغییر این مقررات تنها در صلاحیت کنگره حزب است.



## قرار در باره

# تضمین همزمان امکان دخالت در تصمیم گیری و اجرای سیاست های مصوب

اعضای کمیته های حزبی حق دارند در جلسات این کمیته ها در همه زمینه ها در بحث و تصمیم گیری های کمیته خود شرکت کنند، نظرات خود در مورد سیاست ها و تصمیمات مورد بررسی را ارائه نموده و به رای بگذارند. بعد از بحث تصمیم نهائی توسط رای اکثریت اعضای کمیته تعیین میشود.

در همان حال برای تضمین وحدت اراده در اجرای تصمیمات مصوب کمیته ها و نهاد های حزبی اعضای کمیته های حزبی، مادام که عضو یک کمیته هستند، بدون موافقت آن، حق ظاهر شدن به عنوان مخالف و منتقد و یا اپوزیسیون سیاست های کمیته خود در بیرون از کمیته را ندارند.

باز شدن مجدد بحث در کمیته ها منوط به تقاضای یک عضو کمیته و تصویب قرار گرفتن مجدد آن بحث در دستور جلسه کمیته است.

## قرار در مورد

# شرکت در جلسات کمیته های حزبی

شرکت اعضای کمیته های حزبی در جلسات رسمی کمیته های خود یک وظیفه پایه ای آنها است. دبیر هر کمیته موظف است در گزارش خود به نهاد انتخاب یا انتصاب کننده هر کمیته تواتر شرکت و غیبت اعضای کمیته خود در جلسات کمیته را منعکس نماید.

## قرار در باره ایجاد مدارس حزبی

حزب کمونیست کارگری حکمتیست بر اساس تئوری کادرها و رابطه میان کادرها و رهبری ایجاد شده است و بعلاوه یکی از ارکان اساسی ایجاد یک حزب سیاسی، توده ای و اجتماعی وجود کادرهای مارکسیست میباشد.

لذا کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست امر پرورش کادر و ایجاد مدارس حزبی در این رابطه را مورد تاکید قرار میدهد و آن را در ردیف اولویت های رهبری حزب قرار میدهد.

### قرار در مورد

## همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق و تعریف مکانیسمهای لازم

از آنجا که:

۱ - اوضاع جامعه عراق در نتیجه جنگ و اشغالگری آمریکا و دست اندازی جریانات ارتجاعی قومی - اسلامی و باندهای مسلح فاجعه آمیز و بسیار وخامت بار است.

۲ - حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق نمیتوان تنها امید و آزادی و رهایی مردم عراق و خارج کردن جامعه از جهنمی که بر آنها تحمیل شده است میباشند

لذا کنگره اول حزب حکمتیست بر تماس مستمر و همکاری مداوم با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق بعنوان یک سیاست انترناسیونالیستی تاکید میکند و از رهبری حزب میخواهد که سازماندهی مکانیسمهای لازم در این زمینه را شکل دهد.